

فصلنامه تحقیقات جدید در علوم انسانی

Human Sciences Research Journal

دوره جدید، شماره ۲۸، تابستان ۱۳۹۹، صص ۴۱۳-۴۲۳

New Period, No 28, 2020, P 413-423

شماره شاپا (۲۴۷۶-۷۰۱۸) ISSN (2476-7018)

اهداف انبیا از تبلیغ دین

کبری گلشن پور

کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث، دانشکده اصول دین تهران، ایران

چکیده

تبلیغات از ابزارهای رایج در انتقال فکر، فرهنگ و هرگونه پیامی به دیگران است. در عصر حاضر که بحران‌های فرهنگی درصدد تهی کردن انسان از معنویت می‌باشند، تبلیغ دین و ارزش‌های نشأت گرفته از آن جهت مقابله با این بحران‌ها ضرورت ویژه‌ای دارد. از آنجا که انبیا الهی در طول تاریخ بشر، با بهره‌گیری از شیوه‌های گوناگون و مناسب، مردم را به ارزش‌های الهی فراخوانده و موجبات هدایت و سعادت آنها را فراهم نموده‌اند در این تحقیق برآن شدیم که با روش‌های تبلیغ در دعوت انبیا از منظر قرآن و حدیث آشنا شویم. در این راستا ابتدا به اهمیت و جایگاه تبلیغ در اسلام و سپس به اهداف تبلیغی انبیا و در ادامه به شیوه‌های گوناگون انبیا در تبلیغ پرداخته شده است. این تحقیق به روش توصیفی - تحلیلی و بر پایه‌ی جمع‌آوری اطلاعات بر مبنای کتابخانه‌ای انجام گرفته و دامنه‌ی آن در محدوده‌ی آیات قرآن کریم و روایات اهل بیت^(ع) می‌باشد. براساس این تحقیق انبیا الهی از روش‌های مختلفی همچون الگوسازی، بشارت و انداز، یادآوری نعمت‌های الهی، پرسش و پاسخ، موعظه و تحریک عواطف، استدلال منطقی و دعوت به تفکر، همراهی با مردم و جدال احسن و بهره‌گیری از ابزار هنر در جهت تبلیغ و دعوت مردم به توحید و یکتاپرستی و برقراری قسط و عدل و رشد فضائل اخلاقی و مبارزه با طاغوت استفاده نموده‌اند.

واژه‌های کلیدی: تبلیغ، دعوت، انبیا، روش‌های تبلیغ.



مقدمه

بهترین منبع برای شناخت اهداف تبلیغی انبیاء علیهم السلام قرآن مجید می‌باشد. با بررسی آیات قرآن کریم که وحی الهی و استوانه استوار و جامع علوم و حکمت‌ها و معارفی است که پروردگار برای رشد و هدایت انسان فرو فرستاده است، می‌توان اهداف تبلیغ در دعوت انبیاء را به شرح زیر بیان نمود.

دعوت به توحید و خداپرستی

اصل توحید و نفی شرک یکی دیگر از مهمترین اصول دعوت انبیاء است و به شهادت آیات مختلف قرآن هر یک از آن‌ها که مبعوث به نبوت می‌شدند، نخستین گفتارشان توحید بود. توحید در تمام شاخه‌ها، مخصوصاً توحید در عبادت و پرستش می‌باشد که از مهمترین اهداف انبیاء علیه السلام در بین جوامع مختلف بشری بوده است و قرآن مجید درباره این موضوع چنین می‌فرماید:

"و لقد بعثنا فی کل امه رسولا ان اعبدوا الله و اجتنبوا الطاغوت" (نحل/۳۷)

و همانا در هر امتی پیامبری فرستادیم تا اعلام کند خدا را پرستید و از پرستش طاغوت بپرهیزد "به این ترتیب مبارزه با طاغوت‌ها و تخصیص پرستش به الله در سرلوحه تعلیمات همه انبیاء بود، چرا که تا انسان بنده طاغوت است، در اسارت است، آنگاه آزاد می‌شود که تنها بنده خدا باشد، خداوند که منبع تمام ارزش‌های والا، و دارای اسماء و صفات حسنی است. قابل توجه اینکه "طاغوت" صیغه مبالغه از طغیان به معنی تعدی و تجاوز از حد و مرز است، از این رو به شیطان، بت، حاکم جبار، متکبر، مستکبر و هر مسیری که به غیر حق منتهی می‌گردد، طاغوت گفته می‌شود. این واژه به گفته راغب در مفردات در معنی مفرد و جمع هر دو به کار می‌رود (در عین حال گاهی به صورت "طواغیت" جمع بسته می‌شود) و لسان العرب، "طاغوت" را به معنی شیطان و کاهن و سردمداران گمراهی و ضلالت تفسیر کرده است. (مکارم شیرازی، ۳۴۲)

به هر حال یکی از نشانه‌های پیامبران راستین، دعوت به توحید و پرهیز از همه طاغوت‌ها است، در حالی که مدعیان دروغین مردم را به شرک و بت پرستی و گاه همچون فرعون دعوت به پرستش خویش می‌کردند. اعتقاد به طاغوت و پرهیز از آن چنانکه که در جای خود گفته شده بازتاب گسترده‌ای در تمام اعمال انسان دارد، مخصوصاً زنجیره‌های اسارت و بردگی را از دست و پای انسان‌ها برمی‌دارد و آنان را به وحدت و اتحاد و آزادی و عزت فرامی‌خواند.

و قرآن کریم در راستای همین موضوع آیه دیگری را نیز بیان می‌کند:

"و ما ارسلنا من قبلك من رسول الا نوحی الی انه لا اله الا انا فاعبدون" (انبیاء/۲۵)

پیش از تو هیچ رسولی نفرستادیم مگر آنکه به او وحی کردیم که غیر از من خدایی نیست پس مرا پرستید.

۱. سوره نحل/ ۳۶



در این آیه خطاب به پیامبر اسلام (ص) می‌فرماید مضمون توحید خدا و وجوب عبادت اوست. و عقیده حق جز بر پایه توحید و نفی شریک از ذات الهی استوار نمی‌شود و از این آیه چنین استفاده می‌گردد که سیره مستمر و سنت الهی از اول هم بر همین پایه بوده است که چه در مورد پیامبر اسلام و چه در مورد سایر پیامبران روح دعوت دینی بر پایه توحید ربوبی استوار بوده است" (المیزان، ذیل آیه ۲۵ انبیاء)

"و امکان دارد عده ای بر این عقیده باشند که حضرت عیسی دعوت به پرستش چند خدایی کرده که این آیه در ردّ عقیده آنان این شبهه را از دعوت این پیامبر الهی نیز پاک می‌کند" (گزیده تفسیر نمونه ذیل آیه ۲۵ انبیاء)

فلذا با توجه به آیات قرآن کریم درمی‌یابیم که بخش عمده‌ای از زحمات انبیاء در راستای تحقق خداپرستی و گسترش آن بوده است.

فراگیری اجرای عدالت

اجرای عدالت و جلوگیری از ظلم در ابعاد مختلف ساحت‌های اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی از اهداف بزرگ ارسال رسل و بعثت پیام‌آوران الهی بوده است. ظلم و بیداد، انسان‌ها را به جای عبودیت خداوند به کرنش در مقابل ستمگران وا داشته و از بزرگترین نعمات الهی که آزادی است محروم می‌سازد قرآن مجید در بیان این موضوع به این آیه اشاره می‌فرماید:

"لقد ارسلنا رسلنا بالبینات و انزلنا معهم الكتاب و المیزان ليقوم الناس بالقسط و انزلنا الحديد فيه بأس شديد و منافع للناس و ليعلم الله من ينصره و رسله بالغیب ان الله قوی عزیز" (حدید/۲۵)

ما پیامبرانمان را با دلیلهای روشن فرستادیم و با آنها کتاب و میزان را نیز نازل کردیم تا مردم به عدالت عمل کنند. و آهن را که در آن نیرویی سخت و منافی برای مردم است فرو فرستادیم، تا خدا بداند چه کسی در غیاب، او و پیامبرانش را یاری می‌کند. زیرا خداوند توانا و پیروزمند است.

در این آیه به سه چیز به عنوان مقدمه اقامه عدل اشاره شده است.

الف: بینات: که به معنی دلایل روشن است و شامل معجزات و دلایل عقلی حقانیت دعوت انبیاء و اخبار انبیاء پیشین می‌شود.

ب: کتاب: که اشاره به کتب آسمانی است و شامل بیان معارف و عقاید و احکام و اخلاق است

ج: میزان: که به معنی قوانین است که معیار سنجش نیکی‌ها از بدی‌ها و ارزش‌ها از ضدا ارزش‌ها و حق از باطل است.

تجهیز انبیای الهی با این سه نیرو به آنها امکان می‌دهد که بتوانند انسان‌ها را برای اقامه عدل بسیج کنند. جالب توجه اینکه اقامه عدل را به انبیاء نسبت نمی‌دهد بلکه می‌گوید! جوامع انسانی باید آنچنان تربیت



شوند که خود قیام به عدل کنند! و مهم نیز همین است که این مسئله به صورت خودجوش در جامعه در آید و نباید به صورت تحمیلی یا اجباری باشد و مطالبه عمومی عدالت را متذکر می‌شود. تعبیر به "میزان" از قوانین الهی به خاطر آن است که میزان و ترازو وزن هر چیزی را آن گونه که هست روشن می‌سازد، و به هر گونه نزاع و گفتگو در مقدار آن پایان می‌دهد، قوانین الهی در مسائل حقوقی نیز چنین است. و از آنجا که قوانین بشری که از علم ناقص انسان‌ها سرچشمه می‌گیرد قابل اعتماد نیست هرگز نمی‌تواند عدل و داد را در جوامع انسانی برقرار سازد. این کار را منحصرأً قوانین الهی می‌تواند بر عهده بگیرد. که از علم بی‌پایان خدا سرچشمه می‌گیرد و خطا و اشتباهی در آن نیست و برای همه اهل ایمان قابل اعتماد و اطمینان است.

البته در این میان گروهی پیدا می‌شوند که به هیچیک از این امور اعتنا نکرده، و برای حفظ منافع و هوسهای شیطانی خویش همه چیز را زیر پا می‌گذارند که باید با زور و اسلحه با آنها مقابله کرد و جمله "و انزلنا الحديد فيه بأس شديد": "ما آهن را نازل کردیم که در آن قوت شدیدی است" که در ادامه همین آیه گویی اشاره به این گروه است که زبانی جز زبان زور و اسلحه را نمی‌فهمند.

تعبیر به "انزلنا" (نازل کردیم) در مورد آهن گرچه بعضی را بر این داشته که بگویند آهن و یا سنگ‌های آهنی از کرات دیگر به کره زمین آمده است ولی با توجه به اینکه این تعبیر در غیر مورد آهن، مانند انواعی از حیوانات که در آیه ۶ سوره زمر به آن اشاره شده است و یا لباس که وسیله پوشش بدن آدمی است چنانچه در آیه ۲۶ سوره اعراف به آن پرداخته شده است. (اعراف/۲۶) معلوم می‌شود که مفهوم آن خلقت و آفرینش الهی در خود زمین است ولی از آنجا که از مقام بالا و بلند پروردگار این موهبت به مقام پایین یعنی انسان‌ها بخشیده شده تعبیر به "انزلنا" و فرو فرستاده شده است. این تعبیر در سخنان روزمره نیز دیده می‌شود به عنوان مثال وقتی از رئیس یک مملکت دستور یا هدیه‌ای برای افراد زیردست فرستاده می‌شود می‌گویند این دستور یا این هدیه از "بالا" است و لفظ "بالا" به عنوان مقام بالا استفاده می‌شود.

علامه طباطبایی در تفسیر "انزلنا الحديد" نظر دیگری دارد ایشان می‌فرماید:

منشأ وجودی هر چیز نزد خدا است او هر موجودی را پس از تعیین حدود وجودیش به این عالم می‌آورد که این خود نوعی نزول است. عدالت واقعی در سایه قانون و رهبری الهی است. و فلسفه نبوت ایجاد عدالت است و مردم هم باید مطالبه قسط و داد کرده و از حقوق خویش آگاه باشند. چون قسط در این آیه مطلق آمده است پس شامل همه چیز می‌شود "المیزان ذیل آیه ۲۵ حدید)

پرواضح است که ظالم اول بر ایمان و عقیده انسان‌ها تسلط پیدا کرده و سپس آنها را به استضعاف می‌کشاند و اگر مطالبه عدالت از توده مردم نباشد به یقین ایمان مردم دچار تزلزل شده است زیرا که در درجه اول توده مردم به این باور رسیده‌اند که خداوند واحد گروهی از بشر را با مزایای خاصی در خلقت و



طبیعت آفریده و آنان را از ویژگی‌های حقوقی خاصی برخوردار ساخته است که این اعتقاد هم باعث رشد ظالم و پذیرش ظلم توسط مظلوم خواهد شد و قرآن به آن اشاره کرده زیرا فرعونیان می‌گفتند:

"أنا ربکم الاعلیٰ" (فازعات/۲۵)

به معنای اینکه مقام ربوبیت به آنها افزوده شده است.

و یا قارون می‌گوید:

"انما اوتیته علی علم عندی" (قصص/۷۸)

بنابراین اساس برخورداری‌های اقتصادی طبقات بالا، موهبتی طبیعی و الهی در نظر عامه می‌باشد و از طرفی محرومیت طبقات پایین نیز امری ضروری به فطری قلمداد می‌گردد و دیگر هیچ انگیزه‌ای برای احیای حق نیست و همه تقصیرها از ذات مقدس پروردگار برداشت می‌شود و این افکار لبه تیز دشمن را به سمت خداوند نشانه می‌رود. لذا پیامبران با آموزش‌های معارف عدالت‌خواهانه باید با این تفکر غلط و این استعمار اندیشه مبارزه کرده و از اذهان توده مردم ریشه کن کنند تا بین خالق و مخلوق ارتباط برقرار کرده و صلح و آرامش را به ارمغان بیاورند لذا خداوند به پیامبر می‌فرماید:

"فصلحو بینهما بالعدل واقسطوا ان الله یحب المقسطین" (حجرات/۹)

با حفظ عدالت میان آنها صلح برقرار کن همیشه با هر دوست یا دشمن عدالت داشته باشید که خداوند بسیار اهل عدل و داد را دوست می‌دارد.

از این آیه می‌توان فهمید که اگر طالب صلح و آرامش هستیم تنها راهش عدالت و قسط می‌باشد.

تعلیم و تربیت

یکی دیگر از اهداف پیامبران رشد عقلی انسان‌ها و افزایش درک، دانش و تعلیم کتاب و حکمت به آنان بوده است. قرآن مجید این مطلب را با آیه دوم سوره جمعه چنین تبیین می‌کند:

"هو الذی بعث فی الامیین رسولا منهم یتلوا علیهم آیاته و یزکیهم و یعلمهم الکتاب والحکمه و ان کانوا من قبل لقی ضلال مبین" (جمعه/۲)

او خدایی است که در میان مردم بی‌سواد پیامبری از خود آنان مبعوث داشت تا آیاتش را بر آنها بخواند و از اخلاقیات زشت [منزه سازد و کتاب و حکمت شان بیاموزد. اگر چه پیش از آن در گمراهی آشکار بودند. از این آیه کریمه درمی‌یابیم که پیامبر اسلام (ص) در جامعه‌ای مبعوث به رسالت می‌شود که از شاخصه‌های مهم شناختی آن جامعه نه تنها بی‌سوادی و کاستی دانش آنهاست بلکه گمراهی آنان آشکارا بر همه واضح و مبرهن است زیرا خداوند کلمه ضلال مبین را در این موضوع به کار می‌برد که رساترین تعبیری است که وضعیت عرب جاهل آن زمان را مشخص می‌نماید که گمراهی‌های آنها نه تنها مخفی نبود بلکه از هر نظر آشکار بود مثل افتخار به بت‌پرستی، تبلیغات زشت قبیله‌ای خونریزی مداوم -



غار تگری که زشتی این اعمال بر کسانی که خارج از این وادی باشند واضح و مبرهن است و خداوند می‌فرماید: پیامبر امی را فرستاده است حال اینکه معنی این پیامبر اهل ام‌القری بوده و یا مانند آنها بی سواد بوده است و یا غیر یهودی بوده است که یهودیان به غیر بنی‌اسرائیل لقب امی می‌دادند فرق چندانی بر اصل قضیه که تعلیم و تعلم و تزکیه بوده ندارد و با توجه به نظر علامه طباطبایی که اعتقاد دارند "این آیه استجابت دعای حضرت ابراهیم و حضرت اسماعیل (سلام‌الله‌علیها) در آیه ۱۲۸ بقره است (و یتلو علیهم آیاته)، ایات کتاب خدا را بر آنان بخواند. یعنی پیامبر امی (که همه صفات امی بودن را شامل می‌شود) امی بودن، صفت رسول خدا (صلی‌الله‌علیه و آله و سلم) است که آیات کتاب خدا را بر آنها تلاوت می‌کند و منظور از "تعلیم کتاب" بیان الفاظ و تفسیر معانی مشکل و مشابه آن است.

رشد فضایل اخلاقی

یکی از اهداف اساسی پیامبران جهت هدایت انسانها، رشد سجایای اخلاقی و دور ساختن جامعه از مفاسد بوده است. با مروری بر تاریخ پیامبران علیهم‌السلام در قرآن آیات بسیاری به چشم می‌خورد که پیامبران الهی علیهم‌السلام در برابر رذائل اخلاقی و مفاسد اجتماعی ایستادگی نموده و با تمام توان در جهت اصلاح جامعه می‌کوشیدند. پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله نیز در این عرصه با جدیت تلاش کرده و قرآن مجید، پاکسازی انسانها از آلودگی را از اهداف بعثت پیامبر (ص) برشمرده و می‌فرماید:

"هو الذی بعث فی الامیین رسولا منهم یتلو علیهم آیاته و یزکیهم و یعلمهم الکتاب و حکمت و ان کانو من قبل لفیضلال مبیین" (نهج البلاغه، حکمت ۷۹-۸۱)

او خدایی است که در میان مردم بی‌سواد پیامبری از خود آنان مبعوث داشت تا آیاتش را بر آنها بخواند و [از اخلاقیات زشت] منزه سازد و کتاب و حکمتشان بیاموزد. اگرچه پیش از آن در گمراهی آشکار بودند. اهمیت نشر ارزش‌های اخلاقی در جامعه تا حدی است که بارها پیامبر گرامی اسلام دلیل بعثت را آگاهی از فضایل اخلاقی و نشر آن معرفی می‌فرماید.

آزادی انسانها

یکی دیگر از اهداف تبلیغی پیامبران نجات انسان از چنگال اسارت و استبداد است و می‌فرماید:

"الذین یتبعون الرسول النبى الامى... و یضع عنهم اصرهم و الاغلال التى کانت علیهم... (اعراف/۱۵۷)

کسانی که از پیامبر امی که فرستاده خداست پیروی می‌کنند. همان کسی که صفاتی را در تورات و انجیلی که نزدشان است می‌یابند، او آنها را به نیکی‌ها دستور می‌دهد و از زشتی‌ها باز می‌دارد. پاکیزه‌ها را برای آنها حلال و ناپاکی‌ها را حرام می‌شمرد، و بارهای سنگین و زنجیرهایی را که بر آنها بود بر می‌دارد. بی‌شک یکی از اهداف تبلیغ در رسالت انبیا و رسیدن انسان به آرامش و نشاط روحی است که



این موضوع در احوالات انصار، حواریون و صحابی، هنگامی که در جوار پیامبران هستند قابل مشاهده است و از نشانه‌های آن همان آزاد کردن انسان‌ها از چنگال اسارت‌ها است، زیرا همیشه زمامداران مادی برای تثبیت موقعیت خود، انسان‌ها را به غل و زنجیر کشیده‌اند، انواع تحمیل‌ها را بر او روا داشته، حتی به نام آزادی آزادی را سلب کرده‌اند، تنها مکتب انبیاء است که به انسان آزادی می‌بخشد و از زیر فشار بار تحمیلات طاغوتیان رهایی می‌دهد.

دعوت به وحدت و رفع اختلاف در میان مردم

همیشه انسان‌ها از اختلاف رنج می‌برند و جوامع بشری در آتش اختلاف گرفتار هستند و نیروهای عظیم و امکانات فراوان به خاطر آن بر باد می‌رود، نیروها و امکاناتی که اگر به جا خرج می‌شد محیط جهان را گلستان می‌کرد. از سوی دیگر یقیناً انسان‌ها قادر به رفع اختلاف از میان خود نیستند چرا که علم آنها به حقایق از هر جهت محدود است و بعلاوه خودخواهی‌های انسان باعث می‌شود که ارتباطاتش را برای منافعتش تعریف کند و تعریف منافع انسان‌ها از دیدگاه‌های گوناگون مختلف می‌باشد لذا انبیاء که علمشان از دریای بی انتهای علم خدا سرچشمه می‌گیرد و در سطحی مافوق دیگر انسان‌ها قرار دارند می‌توانند نقش مهمی در برطرف ساختن اختلافات داشته باشند. هرچند همه انسان‌ها زیر بار قوانین الهی نمی‌روند و اختلافات زندگی مردم دنیا به طور کلی برچیده نمی‌شود ولی مطمئناً می‌توان اختلافات را در پرتو تعلیمات انبیاء برطرف نمود و یا حداقل در تشخیص حق یا باطل بودن طرفین مخاصمه آنها سیره انبیاء یاری جست زیرا که خداوند کریم هدف تبلیغ انبیاء الهی را یکسان دانسته است و می‌فرماید:

"... لا تفرق بین احد من رسله." (بقره/۲۸۵) هیچ فرقی بین هیچ یک از پیامبران نیست.

همه پیامبران دارای امتیاز الهی بوده‌اند که به مرام و مکتب خویش ایمان قاطع داشتند و هیچ گونه تزلزلی در اعتقاد خود نداشتند. قبل از همه، خودشان مومن بودند و بیش از همه استقامت و پایداری داشتند.

علامه طباطبایی در المیزان ذیل این آیه می‌فرماید:

"مومنان هر دینی بین خود و دیگر موحدان فرق می‌گذاشتند. مثلاً یهودیان بین حضرت موسی با پیامبر اسلام و حضرت مسیح فرق می‌گذاشتند. مسیحیان هم بین حضرت عیسی با حضرت موسی با پیامبر اسلام فرق می‌گذاشتند. به همین جهت موحدین دسته، دسته شدند و ادیان جداگانه‌ای درست کردند. با اینکه خدا همگی را به یک امت و یک دین که دین فطرت است خلق کرده و به رسولش می‌فرماید: ما هر چه بر تو نازل کرده ایم قبل از تو به نوح و اوصیایش، ابراهیم، موسی و عیسی هم سفارش کرده‌ایم. لذا دستور کلی برای همه پیامبران بزرگ الهی این بوده که دین خدا را برپا دارند و از تفرقه جلوگیری کنند." (المیزان/ذیل آیه ۲۸۵ بقره)



یقیناً از هدف‌های عالی پیامبران در تبلیغ دین وحدت کلمه و پرهیز از تفرقه و هرآنچه باعث جدایی انسان‌ها از هم می‌شود بوده است و دستور اکید خداوند در قرآن به همه بشریت این چنین است.

دعوت به حیات و زندگی انسانی

یکی از اهداف تبلیغ در دعوت انبیاء حیات واقعی افراد بشر می‌باشد لذا خداوند می‌فرماید:

"یا ایها الذین آمنوا استجبوا لله ولرسول اذا دعاکم لما یحییکم" (انفال/۲۴)

ای کسانی‌که ایمان آورده‌اید دعوت خدا و پیامبر را اجابت کنید. هنگامی که شما را به سوی چیزی می‌خواند و شما را زنده می‌کند.

این آیه با کوتاهترین سخن، جامعترین هدف انبیاء الهی را بیان می‌نماید که هدف بعثت انبیاء را زندگی و حیات در تمام ابعادش برمی‌شمرد، حیات مادی، حیات معنوی، حیات فرهنگی، حیات اقتصادی، حیات سیاسی، حیات اخلاقی و اجتماعی را در برمی‌گیرد. که گرچه در آیات قرآن حیات گاه به معنی حیات گیاهی (حدید/۱۷) آمده است و گاه حیات حیوانی (فصلت/۳۹) ولی در این آیه به معنای حیات انسانی آمده است، چنانچه در آیه دیگری می‌فرماید:

"او من کان میتاً فاحییناه وجعلنا له نوراً یمشی به . . ." (انعام/۱۲۲) آیا کسی که مرده (و گمراه) بود و هدایتش کردیم همانند کافران گمراه است."

پرواضح است که مقصود از حیاتی که با دعوت انبیا فراهم می‌آید، حیات حیوانی نیست. چون بدون دعوت انبیاء نیز این نوع حیات وجود دارد. بلکه مقصود حیات و زندگی در تمام زمینه‌ها می‌باشد. حیات انسان در ایمان و عمل صالح است و خداوند و انبیاء همه مردم را به همان دعوت کرده‌اند. اطاعت از فرامین آنان نیز رمز رسیدن به زندگی پاک و طیب است.

اتمام حجت برای معاندان

اتمام حجت بر بندگان هم جزء اهداف تبلیغی در دعوت انبیاء به حساب می‌آید. معمولاً گروهی از مردم لجوج و خودخواه که قبول دعوت انبیاء را مخالفت منافع و اعمال خویش می‌بینند از پذیرش آن سر باز می‌زنند و با اینکه بعد از بعثت پیامبران همواره موضع‌گیری مخالفی دارند. چنانچه بعثت پیامبران الهی صورت نمی‌گرفت ممکن بود. هزار گونه ادعاهای مختلفی پدید آید که مدعی باشند اگر پیامبران الهی آمده بودند ما با آغوش باز از آنها استقبال می‌کردیم به همین دلیل یکی از اهداف دعوت و تبلیغ پیامبران اتمام حجت برای همه مخالفان می‌باشد و این اتمام حجت اولاً بر اساس عدالت الهی می‌باشد و ثانیاً زبان دروغگویان پرمدها را کوتاه می‌کند و یا به تعبیر علمی تر مسئله استحقاق مجازات را برای این گروه از بدیهیات به شمار خواهد رفت لذا خداوند در قرآن کریم در این زمینه اینطور می‌فرماید:



"رسلاً مبشرين و منذرين لئلا يكون الناس على الله حجة بعد الرسل" (نساء/۱۶۵)

پیامبرانی (فرستادیم) که بشارت دهنده و بیم دهنده بودند تا برای مردم بعد از آنها بر خدا حجتی باقی نماند (نسبت به همه اتمام حجت شود) خداوند با ذکر سرنوشت اقوام گذشته توسط انبیاء به عاقبت آنان و تجربه‌هایی را که کسب کرده‌اند توجه داده و عبرت گرفتن و هوشیار شدن را در پی ذکر قصه گذشتگان هشدار می‌دهد و به تفحص درباره سرنوشت گذشتگان ترغیب نموده تا با مطالعه آن اتمام حجتی باشد برای مردم هر زمان که خواهان هدایت و رستگاری باشند.

تشکیل حکومت صالحان

به طور کلی ایجاد حکومت الهی بر اساس "عدل الهی" برای برقراری عدالت در سطح جامعه از اهداف تبلیغی در دعوت انبیاء بوده است. چه آنها که توفیق پیاده کردن آن را یافتند و چه آنهایی که بر اثر اوضاع و شرایط خاص زمانشان قادر به انجام آن نشدند خداوند به شکل لطیفی به این مضمون در قرآن کریم اشاره می‌فرماید:

"ولقد كتبنا في الزبور من بعد الذكر ان الارض يرثها عبادي الصالحون" (انبیاء/۱۰۵)

در زبور بعد از ذکر (تورات) مقرر داشتیم که بندگان صالح من وارث حکومت زمین خواهند شد. مرحوم طبرسی در تفسیر زبور و ذکر سه قول نقل کرده است:

"اول زبور به معنی تمام کتب انبیاء است و ذکر به معنی لوح محفوظ است. یعنی این حکم نخست در لوح محفوظ و پس در تمام کتب انبیاء آمد. دوم اینکه زبور به معنی کتاب‌هایی است که بعد از تورات نازل شده است و ذکر به تورات اشاره دارد. و در سوم زبور به معنی زبور داوود است و ذکر به معنی تورات می‌باشد" (مجمع البیان، جلد ۷: ۶۶).

در هر صورت آیه نشان می‌دهد که این حکم عمومی و سنت مستمر الهی بوده که جهت‌گیری تعلیمات انبیاء به سوی تاسیس حکومت صالحان و نیکان و پاکان در کره زمین بوده است، و گاه بعضی از آنان موفق به تشکیل نمونه‌ای از آن شده‌اند اما مصداق کامل آن طبق روایات متواتر هنگام ظهور حضرت مهدی (ارواحنا فداه) خواهد بود.

این نکته نیز مسلم است که تأمین اهداف ادیان الهی و انبیاء بدون تشکیل چنین حکومتی کامل نخواهد شد، زیرا تجربه نشان داده که تنها از طریق توجه و نصیحت و اندرز احکام الهی به طور کامل پیاده نمی‌شود، بلکه باید از اهرم حکومت در تمام ابعاد استفاده کرد و زندگی انسان‌ها را از لحظه تولد تا هنگام مرگ زیرپوشش تعلیمات آسمانی قرار داد و تعبیر به "عبادی الصالحون" تعبیری است بسیار جامع و گویا که تمام شایستگی‌ها از نظر "ایمان" و "علم" و "تقوا" و "مدیریت و تدبیر" را شامل می‌شود. و تنها چنین اشخاصی هستند که می‌توانند وارث حکومت زمین گردند.



بی تردید اگر حاکم و پیامبر الهی در اجرای قوانین حکومتی منطبق باشند، مسیر دعوت الهی مناسب تر و بهتر انجام خواهد شد و نتیجه بهتر و بهره‌وری بیشتری خواهد داشت. در غیر این صورت اگر دستورات حاکم و پیامبر الهی با هم در تضاد باشد معمولاً حاکم حاضر به پذیرفتن قوانین الهی نخواهد بود زیرا باید تغییرات بنیادی در سیستم اداره کشور بر اساس قوانین الهی انجام پذیرد و حاکم تصور خواهد کرد که پیاده کردن قوانین الهی باعث هرج و مرج گسترده در سرزمین تحت حکومت خود می‌شود و حاکمیتش ضایع می‌گردد و از طرفی پیامبر هم نمی‌تواند بدون داشتن ضمانت اجرایی قانون الهی را در جامعه به طور کامل اجرا کند.

البته موارد ناقص این فرضیه هم وجود دارد و در قرآن به آن اشاره شده است در سوره نمل آمده است با پذیرش دین الهی توسط ملکه سبا تمام سیستم اداره جامعه دچار تحول شده و ساختارهای، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی آن جامعه را دگرگون کرد، اما ملکه سبا از آن حمایت کرد و پیامبر خدا هم در اجرای امر خدا او را یاری کرد و مدد موفقی در این سرزمین اتفاق افتاده که خداوند در قرآن در سوره نمل طی آیات ۳۷ الی ۴۴ آن را به تصویر کشیده است.

از طرفی حضرت داوود در سایه دانش حاکمیت دینی توانست با احکام دروغین روحانیون و معابد مبارزه کند. اگر ایشان حاکم و پیامبر توأمان نبود شاید اثر شکستن این بدعت غلط اینگونه در تاریخ ماندگار نمی‌شد و یا حضرت یوسف نمی‌توانست جان هزاران انسان را از قحطی نجات دهد لذا ایجاد حاکمیت و حکومت دینی از بزرگ‌ترین و ارزشی‌ترین آمل و اهداف پیامبران الهی بوده است. تشکیل حکومت صالحان از ضروریات تبلیغ در دین است و پیامبر اسلام هم برای ایجاد و حفظ جامعه‌ای با حاکمیت دینی تلاش بسیار نموده است.

بطور کلی می‌توان گفت: اهداف تبلیغ در مکتب انبیاء الهی، نجات مردم از طاغوت‌ها و هواهای نفسانی و جهل و تفرقه و شرک و دعوت به خدا و قانون الهی و مبارزه با ظلم و برقراری قسط و عدالت اجتماعی بوده است.

نتیجه‌گیری

برخی از اهداف تبلیغ در دعوت انبیا مانند دعوت به یکتاپرستی و دوری از شرک و طاغوت، فراگیری اجرای عدالت و پرهیز از ظلم، تعلیم و تربیت، رشد فضائل اخلاقی، پرهیز از تفرقه و تشکیل حکومت اسلامی اشاره شد و با استناد به آیات و روایات آن را تبیین نموده‌ایم تا مشخص گردد هدف یک مبلغ مسلمان از تبلیغ دین چه باید باشد.



فهرست منابع و مآخذ

- القرآن کریم، ترجمه‌ی آیت الله مکارم شیرازی.
- ابن ابی الحدید، عبدالحمید بن هبه الله، شرح نهج البلاغه، چاپ اول، محقق محمد ابراهیم، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم ۱۴۰۴ ه ق.
- مکارم شیرازی، ناصر و دیگران، تفسیر نمونه، چاپ دهم، دارالکتب اسلامیة تهران ۱۳۷۱ ه ش.
- -----، پیام قرآن، چاپ هفتم، دارالکتب اسلامیة تهران ۱۳۷۸ ه ش.
- الطبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، مصحح، فضل الله یزدی طباطبایی و هاشم رسولی، چاپ سوم، ناصر خسرو تهران ۱۳۷۲ ه ش.
- طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، مترجم موسوی، چاپ دوم، نشر موسسه دارالکتب اسلامی، تهران ۱۳۹۰ ه ش.